



رئیس‌جمهور در جلسه هیئت دولت: **سخت‌گیری‌هایی از فردا اجرا و عمل می‌شود**

کروه سیاست: رئیس‌جمهور روز گذشته در جلسه هیئت دولت، لازمه اجرای موفقیت‌آمیز هر طرحی در کشور را کمک و همیاری مردم دانست و تأکید کرد: مبارزه با ویروس خطرناک کرونا و تأمین هم‌زمان نیازمندی‌های ضروری مردم…

- صفحه ۲

چهارشنبه ۶ فروردین ۱۳۹۹ • ۳۰ رجب ۱۴۴۱ • ۲۵ مارس ۲۰۲۰

حرف اول

**مبارزات انتخاباتی در سال سرنوشت ترامپ**

**احمد عظیمی‌بلوریان** ، استاد پیشین مریلند

آگاهی از انتخابات ریاست‌جمهوری در ایالات متحده آمریکا، به چند دلیل برای مردم ایران و جهان اهمیت دارد. آمریکا آخرین قدرت جهانی است که پس از چند هزار سال تجربه‌های تلخ و شیرین‌کشورداری در کره زمین به وجود آمده است؛ اگرچه مهاجرت به قاره آمریکا طبق سنت قدیم موجب تباهی و کشتار مردم بومی آنجا (موسوم به «سرخ‌پوستان») و ازدست‌رفتن حقوق آنها شد.

مردمان مهاجر از سراسر جهان قدیم، به قاره جدید مهاجرت کردند و در مستعمرات گوناگون آن ساکن شدند. مردم این مجموعه مستعمرات پس از صدها سال استقلال خود را از قدرت‌های اروپایی به دست آوردند و آموختند که دولت‌ها مانده آسمانی و هدیه خداوند به مردم جهان نیستند و عمر آنها جاودانی نیست. مردم دریافته‌ند که به جای تسلیم‌شدن و رضایت‌دادن به قدرت حاکمه، باید یاد بگیرند خود و کشور خود را چگونه به بهترین وجه اداره کنند و موجبات پیشرفت جامعه خود را در مقیاس محلی و جهانی فراهم آورند. یکی از نخستین چیزهایی که مردم پذیرفتند، کوتاه‌کردن عمر دولت‌ها و مشارکت فعال مردم در اداره امور بود. امپراتوری‌ها، شاهنشاهی‌ها و حتی امپرنشین‌ها اعتبار مدیریت خود را از دست دادند. ایران قرن بیستم نیز پس از هزاران سال پذیرفت که شاه و شاهان، برگزیده خدا نیستند. «خدا- شاه- میهن» جای خود را به «جمهوری»‌های مردمی داد که رئیس آن منتخب مردم باشد و به جای مادام‌العمرشدن، بتوانند حداکثر دو دوره چندساله ریاست کرده و سپس راه را برای برگزیدگان دیگر مردم باز کند. در چنین روشی، رئیس‌جمهور یک کشور باید لیاقت و عرضه این را داشته‌باشد که آرمان‌های مردمی را به بهترین‌وجه در سیاست‌گذاری‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت کشور منعکس کند. در عمر کوتاه ایالات متحده آمریکا، سیاستمداران و مدیران برجسته‌ای مانند آبراهام لینکلن و روزولت توانستند این اهداف مردمی را تا حد خوبی محقق کنند؛ اما در همه این دیویست‌وچند سالی که از تشکیل کشور مستقل ایالات متحده می‌گذرد، شمار این‌گونه سیاستمداران کمتر از انگشتان دست است. در برابر آنها، شماری از رؤسای جمهور آمریکا، ذهنیتی

متفاوت از اصل ریاست‌جمهوری داشته‌اند و برخی از آنها بیشتر جذب مدل ریاست پلامنارخ و متمایل به امپراتوری بوده‌اند. دونالد ترامپ از این نمونه است. در یادداشت‌های متعددی در «شرق» در سال گذشته، به زوایای گوناگون نگرش مردم ایالات متحده و وضعیت سنتی دو حزب اصلی پرداختیم. آرای مردمی در کشوری مانند ایالات متحده آمریکا-که در طول زمان از سرزمین‌ها و فرهنگ‌های مختلف به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند- یکسان نیست؛ بلکه در گسترهای از عقاید و آرای گوناگون پخش شده است. به عبارت دیگر، این گرایش‌ها در زمینه اقتصادی و اجتماعی در طیفی مشکل از سوسیالیسم تا کاپیتالیسم گسترده است. در میان نامزدهای انتخابات کنونی آمریکا، برنی سندرز یک سوسیالیست‌دموکرات خودخوانده است که در زبان سیاسی امروز، در منتهی‌الیه سمت چپ محور عقاید سیاسی قرار دارد. دونالد ترامپ و مایکل بلومبرگ که نماینده سرمایه‌داری هستند، در سمت راست همان محور قرار می‌گیرند؛ با این تفاوت که بلومبرگ اصولا ترامپ را قبول ندارد. دموکرات‌ها در نیمه چپ این محور و جمهوری‌خواهان در نیمه راست آن پراکنده هستند. اداره کشور بر پایه قانون اساسی آن، از سوی اعضای این دو حزب صورت می‌گیرد. مردم وابسته به این دو حزب- مانند دیگر شهروندان آمریکایی- عمدتا اعتقاد مندی دارند؛ اما میان مریدان ادیان و مذاهب برخوردی وجود ندارد. زور و توان ثروتمندان که بیشتر عضو حزب جمهوری‌خواه هستند و به «یک درصد وال‌استریت» مشهورند، از توان اقتصادی ۹۰ درصد مردم آمریکا بیشتر است، اما میان ثروتمندان نیز هماهنگی وجود ندارد. مایکل بلومبرگ که ۲۰ برابر ثروتمند است و دونالد ترامپ که ۲۰ برابر ثروتمند است، به‌عنوان کاندیدایی دموکرات وارد کارزار انتخاباتی شد و اعلام کرد حاضر است همه ثروت خود را برای انتخاب‌نشدن مجدد ترامپ هزینه کند که البته شانس نداشت. رقابت انتخاباتی در این دوره با چند مشکل روبرو است:نخست اینکه جمهوری‌خواهان برای حفظ سلطه خود بر نظام قانون‌گذاری و انتخاب دوباره ترامپ، سکوت را بر اظهارنظر ترجیح می‌دهند و چشم خود را بر لغزش‌های آشکار ترامپ از مبانی جامعه مدنی و نظام دموکراتیک بسته‌اند. مصداق این موضوع در سکوت جمهوری‌خواهان کنگره آمریکا در برابر اتهامات نه‌چندان کوچک ترامپ در ماجرای استیضاح می‌توان دید.

ادامه در صفحه ۲

# روزنامه

پیش‌بینی تحلیلگران برتر جهانی از آینده جهان پس از ویروس کرونا

# جهان پساکرونا چگونه خواهد بود

**ویروس کرونا دست‌کم برای چندین سال بیشتر دولت‌های جهان را وادار خواهد کرد به درون‌گرایی روی آوردن**



**ریچارد هاس**، رئیس‌ شورای روابط خارجی آمریکا

**اگر آمریکا و چین نتوانند اختلافات خود را دربارہ مسئول اصلی بحران کنونی کنار بگذارند، اعتبار جهانی هر دو کشور آسیب خواهد دید**



**نیکلاس برنز**، دیپلمات سابق آمریکایی

صفحه ۲



**پروانه سلحشوری در گفت‌وگو با «شرق»:**

## ورود زنان به ورزشگاه حق مدنی است، نه امنیتی

صفحه ۳

یادداشت

### «ادبیات‌سنجی» در کارنامه قلمی فریبرز رئیس‌دانا

می‌گوید: «مسلمانش به زمزم شوید و هندو بسوزانند». فریبرز رئیس‌دانا با چنین روحیه‌ای از سن نوجوانی به شعر گرایش پیدا کرد و تا پایان عمر، هرگاه فراغتی می‌یافت و به‌ویژه آنگاه که جان شورمندش را تلاطمی دربر می‌گرفت که جز با زبان شعر بیان‌شدنی نبود، شعر می‌سرود. دوستی و هم‌کلامی او با شاعرانی چون شاملو، فروغ فرخزاد و محمد مختاری و دانش وسیع او از حوزه‌های مختلف علوم انسانی و نظریه‌های ادبی به او امکان داد تا چندین مقاله انتقادی و تحلیلی مهم درباره ادبیات و به‌ویژه شعر معاصر فارسی بنویسد که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت. اما بگذارید



ادامه در صفحه ۴

یادداشت

### سردرگمی هنرمندانه در بحبوحه کروناهراسی

است: «برای ما هنرمندان ایرانی، اکنون مهم است که بدانیم شما -هنرمندان جهان- در مورد وضعیت بیماران کرونایی، کودکان و سال‌خوردگان در آستانه ابتلا و کمبودهای خسارت‌بار جامعه پزشکی ایران در این بحران، چه فکر می‌کنید، چه می‌گویید و چه می‌کنید». آیا برای هنرمندان ایرانی امضاکندگن نامه سخت بود که بدانند که کرونا کودکان را مانند سال‌خوردگان تهدید نمی‌کند؟ آیا بهتر نبود که به‌طور کلیشه‌ای برای به‌در آوردن دل هنرمندان جهان، پای کودکان مبتلا را به میان نمی‌کشیدند تا حداقل نشان بدهند در حد اطلاعات عمومی دربار کرونا از «زن فهم فرهنگی» مورد ادعایشان بهره‌مندند؟ من مطمئنم که در جریان سردرگمی ناشی از کروناهراسی در سال نو، امضاکندگن فریخته این نامه فرصت خواندن و تصحیح‌کردن با وسواس لازم متن را پیدا نکرده باشند وگرنه مطمئنا چنین متن غیردقیق و شبهه‌برانگیزی را امضا نمی‌کردند. البته هیچ‌وقت برای تصحیح اشتباهات گذشته دیر نیست. فراموش نکنیم که ما در آستانه جهان پساکرونایی قرار داریم.

و تغییر شرایط را به‌وجود آورد؟ از طرف دیگر در صورت وجود چنین ژنی، در کدام مطالعات علمی معلوم شده است که هنرمندان به‌طور ویژه‌ای دارای چنین ژن خوبی برای فهم فرهنگی هستند؟ آیا این ادعای برتری جوانه نژادی، می‌تواند زینده هنرمندان کشور ما باشد؟ سعی می‌کنم کمی کوتاه بیایم و تفسیر دقیق علمی از واژه «ژن» را به کناری بگذارم و فکرکنم اصلا در این پاراگراف نامه هنرمندان ایران به هنرمندان جهان، نظر بر این بوده‌که از مفهوم استعارای با متافوریک واژه «ژن» برای القای بالاابودن سطح فهم فرهنگی هنرمندان استفاده شود و معنای دقیق علمی «ژن» مورد نظر نبوده باشد. باز قانع نمی‌شوم، با خودم فکر می‌کنم حتی در این حالت هم این کدام هنرمند خودشقیفته‌ای است که این‌طور مغرورانه و برتری‌جویانه بخواهد فهم فرهنگی متمایز خود نسبت به سایر اقشار جامعه را به رخ بکشد؟ آیا واقعا این شیوه برتری‌جویانه معرفی هنر، باعث جذب نظر و همکاری سایر هنرمندان جهان خواهد شد؟ در پاراگرافی دیگر از این نامه چنین آمده



**حافظ موسوی**

فریبرز رئیس‌دانا به‌عنوان اقتصاددان چپ‌گرا شهرت داشت. تخصص اصلی او «اقتصادسنجی» بود. بسیاری او را به خاطر مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های پرشور در دفاع از حقوق پامبال‌شده فرودستان می‌شناختند و می‌ستودند. ظاهر پرصلابت و لحن حماسی صدایش، برای کسی که تازه با او آشنا می‌شد این تصور سستی دو حزب اصلی پرداختیم. آرای مردمی در کشوری مانند ایالات متحده آمریکا-که در طول زمان از سرزمین‌ها و فرهنگ‌های مختلف به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند- یکسان نیست؛ بلکه در گسترهای از عقاید و آرای گوناگون پخش شده است. به عبارت دیگر، این گرایش‌ها در زمینه اقتصادی و اجتماعی در طیفی مشکل از سوسیالیسم تا کاپیتالیسم گسترده است. در میان نامزدهای انتخابات کنونی آمریکا، برنی سندرز یک سوسیالیست‌دموکرات خودخوانده است که در زبان سیاسی امروز، در منتهی‌الیه سمت چپ محور عقاید سیاسی قرار دارد. دونالد ترامپ و مایکل بلومبرگ که نماینده سرمایه‌داری هستند، در سمت راست همان محور قرار می‌گیرند؛ با این تفاوت که بلومبرگ اصولا ترامپ را قبول ندارد. دموکرات‌ها در نیمه چپ این محور و جمهوری‌خواهان در نیمه راست آن پراکنده هستند. اداره کشور بر پایه قانون اساسی آن، از سوی اعضای این دو حزب صورت می‌گیرد. مردم وابسته به این دو حزب- مانند دیگر شهروندان آمریکایی- عمدتا اعتقاد مندی دارند؛ اما میان مریدان ادیان و مذاهب برخوردی وجود ندارد. زور و توان ثروتمندان که بیشتر عضو حزب جمهوری‌خواه هستند و به «یک درصد وال‌استریت» مشهورند، از توان اقتصادی ۹۰ درصد مردم آمریکا بیشتر است، اما میان ثروتمندان نیز هماهنگی وجود ندارد. مایکل بلومبرگ که ۲۰ برابر ثروتمند است و دونالد ترامپ که ۲۰ برابر ثروتمند است، به‌عنوان کاندیدایی دموکرات وارد کارزار انتخاباتی شد و اعلام کرد حاضر است همه ثروت خود را برای انتخاب‌نشدن مجدد ترامپ هزینه کند که البته شانس نداشت. رقابت انتخاباتی در این دوره با چند مشکل روبرو است:نخست اینکه جمهوری‌خواهان برای حفظ سلطه خود بر نظام قانون‌گذاری و انتخاب دوباره ترامپ، سکوت را بر اظهارنظر ترجیح می‌دهند و چشم خود را بر لغزش‌های آشکار ترامپ از مبانی جامعه مدنی و نظام دموکراتیک بسته‌اند. مصداق این موضوع در سکوت جمهوری‌خواهان کنگره آمریکا در برابر اتهامات نه‌چندان کوچک ترامپ در ماجرای استیضاح می‌توان دید.

**جهانگیری: غلبه بر کرونا محدود به اقدامات رسمی نیست**

کروه سیاست:اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهوری، در صفحه شخصی خود در توئیتر نوشت: غلبه بر کرونا محدود به ملاحظات از بالا و اقدامات رسمی نیست؛ رعایت بهداشت و درمان همگانی نیازمند تکیه بر اعتقادات…

- صفحه ۲



سال هفدهم • شماره ۲۶۷۸ • ۴ صفحه

سرمقاله

**خوبی‌های خانه‌نشینی**

**مصطفی ایزدی**



نشستن تمام‌وقت در منزل فرصتی را فراهم کرده است که سرگرمی‌های گوناگونی را تجربه کنیم. فضای مجازی و سرکشی به گروه‌ها یا کانال‌های بسیاری

که انباشته از نوشته و کلیپ و ویدئو است، به ظاهر سرگرمی دلچسبی است که روزانه یکی، دو ساعت از وقتتمان را پر می‌کند. در این چند روز خانه‌نشینی اجباری و الزامی و بهره‌گیری از فضای مجازی به این نتیجه رسیدم که دو جریان متضاد، از این فضا برای بیان هنرها و افکار خود نهایت استفاده را می‌کنند. آزادبودن این فضا برای گروه‌های مختلف اجتماعی اعم از هنری، سیاسی، مذهبی، علمی و… این زمینه را فراهم کرده که توجه خانه‌نشینان را به خود جلب کنند و نیاز مخاطبان خویش را که شادی یا آگاهی است، برآورده کنند. آنچه نگارنده را شگفت‌زده کرده، وجود گروه‌های فراوان موسیقی در شهرها و روستاهای سراسر کشور است که به شیوه‌های مختلف و متفاوت هنرنمایی می‌کنند. خلق کلیپ‌های زیما از اجرای موسیقی، در فضاها و محیط‌های دلنشین بهاری، این آگاهی را به جامعه منتقل می‌کند که در سراسر ایران شوق به موسیقی و اجراهای هنرمندانه آن، به‌ویژه ازسوی بانوان، چه دامنه گسترده‌ای دارد. اگر از اندک موسیقی وارداتی که همراه با بعضی از رفتارها و حرکات نامتعارف به فضای مجازی راه یافته‌اند بگذریم، اجرای موسیقی‌های سنتی و محلی می‌تواند متولیان هنر موسیقی را به این اندیشه وادارد که چگونه باید از این همه استعداد و توانایی و مراکز آموزشی ناپیدا که این استعدادها و توانایی‌ها را پرورش داده و سطح بهره‌مندی از آن را تا این حد و سطح ارتقا داده‌اند، استفاده کرد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

**مدیران باشگاه‌ها به دنبال رفتار پوپولیستی نباشند**

**حمید درخشان** ، پیش‌کسوت فوتبال



بعد از شیوع ویروس کرونا درحال‌حاضر همه مسابقات فوتبال در دنیا تعطیل شده است و بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها مختل شده است. کشورهایی که قوانین متناسب با چنین بحران‌هایی را دارند، طبعاً فوتبال و ورزش‌شان آسیبی نخواهد دید و تیم‌های باشگاهی با چالش عجیبی روبرو نمی‌شوند؛ اما فدراسیون فوتبال ایران و زیرمجموعه آن یعنی سازمان لیگ مشخصاً برنامه و آیین‌نامه‌ای را دراین‌باره ندارند؛ پس بهتر است رجوع کنیم به اینکه فیفا یا کنفدراسیون فوتبال آسیا دراین‌باره چه نظری می‌دهند. قبل از اینکه ای‌اف‌سی یا فیفا درباره وضعیت آتی لیگ‌های باشگاهی نظر خود را اعلام کند، تیم‌های ما شروع به جار و جنجال کردند و بار باشگاهی به سود خود تحلیل‌هایی را ارائه می‌داد؛ اما ما باید به قانون بین‌المللی احترام بگذاریم. نباید طوری شود که دوباره مثل سابق مدیران باشگاهی‌ها تهدید کنند و بعد از جلسه با مسئولان در مالزی (مقر ای‌اف‌سی) بگویند هرچه رئیس گفت! درباره لیگ قهرمانان آسیا هم خاطران هست که مدیران باشگاهی‌ها تهدید کردند؛ اما در نهایت همان شد که ای‌اف‌سی گفته بود. حالا

ابلاغیه‌ای که به فدراسیون‌های فوتبال ابلاغ شده، این است که در صورت ادامه‌دارشدن ویروس کرونا چهار راهکار وجود دارد: یک اینکه لیگ به‌طور کامل و بدون نتیجه مشخص به پایان برسد. دوم اینکه جدول براساس رتبه‌بندی فعلی تیم‌ها معرفی و قهرمان لیگ نیز اعلام شود. سوم اینکه قهرمان سال قبل به‌عنوان قهرمان معرفی شود و مورد پیشنهادی چهارم این است که قهرمان نیم‌فصل به‌عنوان قهرمان لیگ در صورت نیمه‌کاره‌ماندن آن معرفی شود. در سه حالت از این چهار حالت، پرسپولیس قهرمان لیگ خواهد شد؛ چراکه هم فاصله امتیازی درخورتوجهی از تیم دوم دارد و هم اینکه قهرمان فصل گذشته و نیم‌فصل فعلی بوده است. متأسفانه بعضی دوستان در حال جزئی هستند و تمایل ندارند با واقعیت کنار بیایند. اینکه در طول لیگ، تیم‌های بالانشین و مدعی عنوان قهرمانی نمی‌توانند تیم‌های با هزینه کمتر را شکست دهند؛ اما حالا که بحث قانون پیش می‌آید، جار و جنجال راه می‌اندازند. به نظر فقط نشست‌گرفته از یک رفتار پوپولیستی است که می‌خواهند خودشان را پیش هواداران، خوب و موجه نشان دهند.وقتی سه حالت از چهار مورد ممکن، رای به قهرمانی پرسپولیس می‌دهد، در واقع جایی برای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد؛

ادامه در صفحه ۳